

بررسی تأثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص های جمعیت شناختی ازدواج در سطح کشور و 7 استان منتخب 1385

معصومه توده فلاح*، دکتر شهلا کاظمی پور**

چکیده: پژوهش حاضر با دو هدف انجام پذیرفته است. هدف اول مطالعه و شناخت جنبهٔ دموگرافیک پدیدهٔ جمعیتی و اجتماعی ازدواج در کل کشور و استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان در سال 1385، و هدف دوم، تحصیل آگاهی از ارتباط بین میانگین سن ازدواج (متغیر وابسته) و برخی معرف های مدرنیزاسیون از قبیل: میزان شهرنشینی، میزان باسواد، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت (متغیرهای مستقل) بوده است که با بهره گیری از یافته های مطالعات پیشین و نظریات جمعیت شناختی و جامعه شناختی از جمله تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود¹ مورد بررسی قرار گرفته است. روش بررسی در این تحقیق، تحلیل ثانوی داده های موجود در نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385 و سالنامه آماری و نشریات سازمان ثبت احوال کشور می باشد که از طریق فیش برداری انجام و نتایج آن بصورت کمی و کیفی توصیف شده است. از میان جامعه آماری پژوهش، 7 استان به روش نمونه گیری طبقه ای از نوع احتمالی به قید قرعه انتخاب شده اند. برای ارائه نتایج و توصیف و تحلیل وضع موجود، از آمارهای توصیفی از جمله میانگین و نمودارهای ستونی و میله ای استفاده شده و همبستگی بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفته است.

یافته های تحقیق نشان داد میانگین سن ازدواج مردان کشور بر اساس داده های ثبتی در سال 1385 برابر با 26/1 سال و میانگین سن ازدواج زنان کشور برابر با 21/7 سال بوده، و استان‌های مورد مطالعه از الگوی سنی ازدواج متمایزی نسبت به یکدیگر برخوردارند. این پژوهش نشان داد که میزان شهرنشینی، میزان اشتغال و نسبت اشتغال در بخش صنعت از عوامل تعیین کنندهٔ افزایش میانگین سن ازدواج برای مردان است. به عبارتی هر چه میزان شهرنشینی، اشتغال و به ویژه اشتغال در بخش صنعت افزایش یابد، میانگین سن ازدواج مردان نیز با افزایش همراه است. نتایج همبستگی اسپیرمن نشان می دهد بین میانگین سن ازدواج مردان با میزان شهرنشینی و

* دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد جمعیت شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

** عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

همچنین میزان اشتغال در بخش صنعت در سطح 99 درصد اطمینان، رابطه ی معنادار و قوی، و با میزان اشتغال در سطح 95 درصد اطمینان رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین میانگین سن ازدواج زنان و متغیرهای مستقل تحقیق رابطه معناداری را نشان نداد که نیاز به انجام پژوهش های دیگر با حجم نمونه بیشتر در این زمینه دارد.

کلید واژه ها: ازدواج، میانگین سن ازدواج، نوسازی.

مقدمه

ازدواج وسیله ای برای رشد و کمال، تأمین سلامت و بقای نسل است که در مکتب اسلام از آن به عنوان تنها راه تشکیل خانواده، آرامش دهنده روح و روان زن و مرد، و حافظ آنان از رفتارهای جنسی نامشروع و غیر اخلاقی یاد شده است.

از منظر جمعیت شناختی، ازدواج، منشاء وقوع ولادت، و عامل بسیار مؤثر بر ساخت سنی و جنسی جمعیت و اندازه و حجم جمعیت محسوب می گردد. تغییرات الگوی زناشویی، تأثیر عمیقی در ابعاد مختلف جامعه به وجود می آورد. نتیجه افزایش سن ازدواج، ایجاد فرصت بیشتر برای تحصیل و ارتقاء سطح علمی جوانان، کسب مشاغل و درآمد بهتر، و به طور کلی رشد اقتصادی- اجتماعی پسران و دختران است. اما افزایش سن ازدواج به عنوان یک عامل دموگرافیک، سن فرزندآوری را به تعویق و بعد خانواده را محدودتر می کند، و در نهایت موجب کاهش رشد جمعیت می شود. از پیامدهای دیگر افزایش سن ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج و افزایش مجرد قطعی، و در پی آن افزایش ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی از جمله گرایش دختران و پسران به ارتباط غیر متعارف است.

در جریان نوسازی، ساختار و وضعیت زناشویی در یک جامعه بطور آهسته دستخوش تغییرات می شود. در دوران نوین و در جوامع رو به توسعه از جمله ایران، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده و جامعه، و به طور کلی الگوی همسرگزینی و نظام خانوادگی تحت تاثیر عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دچار تغییر و تحول شده است. در این پژوهش سعی خواهد شد با برآورد شاخص های جمعیت شناختی ازدواج، به بررسی وضعیت زناشویی کل کشور و 7 استان منتخب در سال 1385 و سنجش تأثیر برخی از شاخص های نوسازی بر میانگین سن ازدواج پرداخته شود.

بیان مسئله

در سال های اخیر، پدیده ازدواج که منشاء وقوع ولادت و باروری، و به عنوان عامل بسیار مؤثر بر ساخت سنی و جنسی جمعیت و افزایش آن محسوب می شود، در کشور ما دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. از یاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از یک سوم جمعیت کشور را تشکیل داده اند و حاصل افزایش شدید مولید دهه 60 می باشند از یکسو، و از سویی دیگر بازتاب تحولات واقع شده در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، نظیر افزایش شهرنشینی و باسوادی به ویژه تحصیلات زنان، و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج که از نشانه های حرکت جامعه به سوی مدرنیته شدن (بهنام، 1348) می باشد، افزایش سن ازدواج جوانان در کشور برای دولتمردان و جامعه محققین نگران کننده گردیده است.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آسیایی مانند ایران، تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی در دهه های اخیر سبب تحولاتی در روند بسیاری از وقایع اجتماعی از جمله سن ازدواج شده و جمعیت را در مراحل انتقالی قرار داده است. طی نیمه اول قرن بیستم تا سال 1970 میلادی، الگوی غالب در بسیاری از کشورهای آسیایی، ازدواج های زودرس و عمومیت آن حاکم بود. اما اکنون در بسیاری از کشورهای آسیایی به جز کشورهایی که در جنوب آسیا واقع اند از عمومیت و میزان ازدواج به ویژه در مناطق شهری کاسته شده و سن ازدواج توسط عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، بیکاری، شهرنشینی، تغییر ارزش های مربوط به تشکیل خانواده، تغییر در معیارهای همسرگزینی، نومکانی به جای پدر مکانی، جدایی محل کار و زندگی، تشکیل خانواده هسته ای، شکاف و چالش نسلی بین افراد در جامعه افزایش یافته است (آقاجانیان^۱، 1997).

اهمیت رویداد اجتماعی ازدواج در تغییرات سریع همسررداری در طول و جریان فرایند نوسازی و توسعه جوامع مختلف، همیشه مورد توجه بوده است، چرا که تغییر در زندگی و نیازهای جدیدی که در طول زمان در جامعه ایجاد می شود موجب تغییراتی در کیفیت رفتارهای انسانی می گردد که به نوبه خود تغییراتی را در جنبه های مختلف زندگی خانوادگی نظیر زمان ازدواج و تداوم زندگی زناشویی ایجاد می کند، و این امر مهم، ضرورت مطالعه مستمر

و دقیق این واقعه حیاتی را در هر دوره زمانی و جوامع متفاوت، با بهره گیری از روش‌های مطالعاتی خاص ایجاد می‌کند.

بررسی آمارهای ثبتی ازدواج در کشور (براساس آمارهای سازمان ثبت احوال کشور) طی پنج سال اخیر (سال‌های 1388-1383)، رشد 23 درصدی را برای ازدواج نشان می‌دهد، و این میزان رشد به نسبت جمعیت واقع در سن ازدواج که بیش از 35 درصد جمعیت کشور را افراد واقع در سنین 24-10 سال تشکیل می‌دهند رقم ناچیزی می‌باشد و علیرغم نفوذ اعتقادات مذهبی و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه ایران، نگران کننده بوده و جای مذاقه و بررسی و اعمال سیاست‌های جمعیتی همسرداری دارد.

وجود استان‌های مختلف در کشور با ساختار جمعیتی متفاوت و تمایز آنها در مشخصه‌های نوسازی نظیر: میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان اشتغال، میزان اشتغال در بخش صنعت و بخصوص میزان فعالیت اقتصادی زنان، که تحولات واقع شده در جوامع امروزی به دگرگونی کار زنان و نقش آنان در جامعه منجر شده است که زنان در بسیاری از شئون صنعتی و اداری مملکت به کار گرفته شده و به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند، تا جایی که در مباحث توسعه، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش زنان در ساختار اقتصادی یکی از شاخص‌های نوسازی و توسعه اقتصادی قلمداد شده است و به عنوان الزام اقتصادی-اجتماعی پیشرفت جوامع از زنان یاد می‌شود (کاظمی پور، 1385: 23)، عوامل مزبور سبب گردیده در وضعیت زناشویی و سنجه‌های ازدواج استان‌های کشور افتراق و گوناگونی دیده شود، و از آنجا که هر گونه برنامه ریزی و سیاست‌گذاری در جهت ایجاد بسترهای مناسب ازدواج و رفع موانعی که باعث وقوع دیر هنگام تشکیل خانواده می‌شود. گذشته از این توزیع عادلانه منابع و تأمین نیازهای استان‌ها برای فراهم ساختن زمینه‌های ازدواج، نیازمند آگاهی از وضعیت ازدواج و زناشویی کنونی می‌باشد، در این مطالعه سعی شده ضمن بررسی وضعیت زناشویی کنونی از طریق برآورد شاخص‌های جمعیتی ازدواج از قبیل: پیش‌رسی ازدواج، عمومیت ازدواج، میزان تجرد قطعی، میانگین سن ازدواج، میزان‌های عمومی و واقعی ازدواج، اختلاف سن زوجین در هنگام ازدواج در کشور و استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان، و مقایسه وضعیت زناشویی در استان‌های مزبور، به بررسی تأثیر برخی شاخص‌های توسعه و نوسازی نظیر: میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت بر سن ازدواج پرداخته شود.

اهداف پژوهش

در این مقاله قصد بر آن است که شاخص های جمعیت شناختی ازدواج در سطح کشور و 7 استان منتخب در سال 1385 بررسی شود، و سپس برخی از عوامل مؤثر (شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان اشتغال، میزان فعالیت اقتصادی زنان و میزان اشتغال در بخش صنعت) بر سن ازدواج مورد آزمون و تحلیل قرار گیرد. لذا می توان اهداف پژوهش را به دو دسته اهداف شناختی و اهداف کاربردی تقسیم نمود. اندازه گیری شاخص های ازدواج از قبیل: میانگین سن ازدواج، پیش رسی ازدواج، سن مجرد قطعی، عمومیت ازدواج، میزان عمومی و واقعی ازدواج، تفاوت سن زوجین در زمان ازدواج، و برخی معرف های نوسازی از قبیل: میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت در کشور و استان های مورد مطالعه از اهداف شناختی، و سنجش ارتباط بین متغیر میانگین سن ازدواج با معرف های نوسازی از اهداف کاربردی این پژوهش می باشد.

پیشینه پژوهش (در داخل و خارج کشور)

در بررسی سوابق پژوهش های انجام شده در زمینه موضوع مقاله می توان به مطالعه ای که توسط بهنام در سال 1348 انجام گرفته اشاره نمود. وی با استفاده از اطلاعات سرشماری 45-1335 به بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل مؤثر بر آن پرداخت. وی دریافت که در سال 1335 عمومیت ازدواج بین زنان نسبت به مردان، و در روستا نسبت به شهر بالاتر بوده است. در سرشماری 1345 عمومیت ازدواج همچنان بالا بوده، یعنی در گروه سنی 29-25 ساله، 94 درصد زنان و نزدیک به 72 درصد مردان ازدواج کرده اند، اما در گروه سنی قبل از 15 سال، فقط 2/3 درصد زنان ازدواج کرده اند که این ارقام گواه بر این است که در پیش رسی ازدواج کاهش رخ داده است. وی در توصیف روند تحولات سن ازدواج به ذکر عواملی نظیر: آموزش متوسطه و عالی، طولانی شدن دوره تحصیلی، تغییر شیوه همسرگزینی، مشکلات مالی ناشی از مقتضیات زندگی جدید، رواج روزافزون سرگرمی ها و تفریحات بیرون از خانه و باب شدن روابط آزاد دو جنس و وضع قوانین خاص در خصوص ازدواج اشاره کرده است (بهنام، 1348: 157-129).

کاظمی پور (1383)، در بررسی خود تحت عنوان "تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن" دریافت که ازدواج زنان و مردان در ایران در گستره سنی 35-12 سال برای زنان و 40-15 سال برای مردان در نوسان است. از سال 1345 به بعد به تدریج

متوسط سن ازدواج زنان در ایران افزایش یافت و از 18/4 سال به 23/2 سال در سال 1381 رسید. الگوی سنی ازدواج در ایران علیرغم باور مردم که شوهر باید از زن بزرگتر و میزان تفاوت سن آنان از 5 تا 10 سال باشد، آمارهای موجود نشان می دهد که بین سن ازدواج زوجین در سال 1345، 6/6 سال و در سال 1381، 2/7 سال اختلاف وجود داشته است. افزایش سن زنان در ازدواج و عدم تغییر در سن ازدواج مردان از اختلاف سنی زوجین کاسته است. در ضمن با افزایش میانگین سن ازدواج زنان فاصله اختلاف سنی زوجین با کاهش بیشتر همراه است. در میان گروه های قومی به دلیل غالب بودن هنجارهای سنتی و ویژگی های فرهنگی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده که ریشه در شیوه زندگی و ویژگی های فرهنگی خاص گذشته آنها دارد، با پایین بودن سطح توسعه اقتصادی، ازدواج زودرس شده و سن ازدواج پایین است. وی نتیجه گرفته بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و بطور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد. و ساختمان سنی جمعیت (عدم تناسب بین زنان و مردان ازدواج نکرده) از عوامل تاثیر گذار بر تغییرات سن ازدواج در ایران است.

مطالعه ای دیگر توسط آستین افشان در سال 1380 در خصوص روند تحولات میانگین سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن در سطح شهرستان به تفکیک مناطق شهری و روستایی با استفاده از اطلاعات سرشماری های 75 - 1355 انجام شده که نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر نوسانات میانگین سن ازدواج زنان در سه دوره مورد بررسی متفاوت بوده و از مهمترین این عوامل می توان به میزان با سواد (سال 1355) نسبت جنسی (سال 1365) و میزان تحصیلات عالی (سال 1375) اشاره نمود. در بعضی از دوره ها میزان اشتغال و میزان بیکاری نیز در این روند سهیم بوده اند. وی با استفاده از میانگین سن ازدواج بر حسب مناطق شهری و روستایی به این نتیجه رسیده است که تفاوت قابل توجهی بین مناطق شهری و روستایی از نظر میانگین سن ازدواج وجود ندارد. همچنین طی سال های 75-1355 بر تعداد شهرستان ها با بالاترین میانگین سن ازدواج زنان افزوده شده است (آستین افشان، 1380:150).

تهرانیان با استفاده از آمار وزارت دادگستری و به کارگیری روش تجربی و آزمون های آماری به بررسی الگوی سنی ازدواج در تهران پرداخته که نتایجی این چنین به دست آورده است: در خلال سال های 43-1339، بیشترین میزان ازدواج های مردان تهرانی (30 درصد) در گروه سنی 26-23 سال روی داده است. بیشترین میزان ازدواج های زنان تهرانی (23 درصد)

در سنین 16-18 سال انجام شده است و علیرغم ممنوعیت های قانونی، 15 درصد ازدواج های دختران مربوط به سنین کمتر از 16 سال بوده است. در 89 درصد موارد اختلاف سنی زوجین به نفع مردان و 11 درصد موارد اختلاف سنی زوجین به نفع زنان بوده است. بیشترین موارد ازدواج در این سال ها (44 درصد)، با اختلاف سنی 6-12 سال به نفع مردان صورت گرفته و میانگین اختلاف سنی در سال 39، حدود 7/4 سال و سال 41، حدود 6-4 سال و در سال 43، حدود 7/7 سال بوده است. مقدار مهریه به مرور زمان افزایش داشته و به لحاظ قربابت، روندی نزولی در ازدواج های خویشاوندان مشاهده شده است (تهرانیان، 1345: 134-137؛ به نقل از کریمی، 1386: 79).

نوسازی با تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت، تغییر ایده ها و ارزش های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده و وضعیت افراد آماده ازدواج از نظر در دسترس بودن همسر مناسب، کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که زوجین معمولاً از سنین متفاوتی هستند، عدم تساوی در تعداد مرد و زن (افراد آماده ازدواج) می تواند زمان ازدواج دو جنس را تحت تأثیر قرار دهد، وضعیتی که از آن به عنوان فشار یا مضیقه ازدواجی¹ نام برده می شود. در این حالت، زمان ازدواج برای جنسی که تعداد آن بیشتر است ممکن است به تعویق بیفتد، چراکه برای آن جنس به تعداد مناسب همسر یافت نمی شود. از طرف دیگر، به علت بیشتر بودن تعداد همسران، بویژه برای جنسی که تعدادش کمتر است، احتمال ازدواج زودتر برای این دسته افراد افزایش می یابد. اثر این وضعیت بر تفاوت در سن ازدواج بین مردان و زنان در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (پرستون² و استرونگ³، 198؛ درودی آهی، جعفر مؤدهی، 1382؛ به نقل از محمودیان، 1385: 131).

محمودیان در سال 1385، در بررسی خود با عنوان "بررسی میزان و عوامل مؤثر بر تفاوت سن زوجین" به این نتیجه رسید که در بیش از 85 درصد ازدواج ها، تفاوت سنی ازدواج به نفع مردان (سن بالاتر شوهران نسبت به زنان) می باشد. میانگین تفاوت سن زوجین با سن، شهرنشینی، میزان تحصیلات مردان، با سوادى زنان و تفاوت تحصیلی زوجین (به نفع مردان) ارتباط مستقیم دارد. درصد مردان دارای همسران بزرگتر از خود در گروه سنی 20-24 ساله در حدود 16 درصد بوده است، در حالی که هیچ مرد 50-54 ساله، همسری بزرگتر از خود

1. Marriage squeeze

2. Preston

3. Strong

نداشته است. و فعالیت زنان در خارج از خانه رابطه معکوسی را با تفاوت سن زوجین نشان می‌دهد (محمودیان، 1385: 127).

علاوه بر مطالعاتی که در ایران صورت گرفته، موارد مشابهی نیز در کشورهای مختلف جهان انجام شده است. جین-پل ساردن¹ برای نشان دادن تفاوت های الگوی ازدواج اروپای شرقی و غربی، وضعیت زناشویی را در 21 کشور اروپایی با استفاده از تحلیل نسلی و خوشه ای بررسی نمود. یافته های وی حاکی از آن است که در دو دهه اخیر ازدواج در اروپای شرقی زودرس بوده و عمومیت بیشتری داشته است. اما در اروپای غربی کاملاً برعکس بوده و حتی نسبت بالایی از افراد هرگز ازدواج نکرده، دیده می شود. علاوه بر این، ساردن دریافت میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان اروپای شرقی به ترتیب 25/1 و 22/1 سال بوده، در حالی که ارقام مشابه در اروپای غربی 27/2 و 24/8 بوده است.

در مطالعه دیگری که توسط مک دونالد و هیوول² در سال 1994 میلادی انجام شده است در مورد علل افزایش سن ازدواج چنین اظهار می کنند: عوامل متعددی بر زمان ازدواج مؤثر هستند، یکی از مهم ترین عوامل مؤثر، تحصیلات عالی زنان است که با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می دهد. دومین عامل اشتغال زنان می باشد. از عوامل دیگر، دشواری دسترسی به زوج مناسب است که در اثر پدیده ای به نام عدم تعادل جنسی در هنگام ازدواج³ ناشی می شود. عامل دیگر میزان آزادی در انتخاب همسر⁴ می باشد. ازدواج های ترتیب داده شده نسبت به ازدواج های آزاد در سنین پایین تری اتفاق می افتد. در ممالک غربی، تقریباً افراد آزادی کامل در انتخاب شریک زندگی شان دارند. در کشورهای در حال توسعه، ازدواج های ترتیب داده شده امری عمومی و عادی است. وقوع ازدواج های ترتیب داده شده در سیستم های خانواده هسته ای احتمالاً کمتر از سیستم های خانواده گسترده است. این چنین ازدواج ها (ترتیب داده شده) مسئولیت بزرگی برای خانواده محسوب می شود و توسط والدین یا خویشان یا دایه ها صورت می گیرد (سازمان ملل متحد، 1988).

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

در بحث نظری، اندیشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی از پدیده ازدواج، نظریه ها و تبیین های

-
1. Geen Pol Sarden
 2. Heuvel
 3. Marriage Squeeze
 4. Sqouse Selection

مختلفی ارائه داده اند که آراء و نظریه های تعدادی از این متفکران مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

مطالعات گوناگونی که چگونگی تأثیر فرایندهای مدرنیزاسیون و صنعتی شدن بر ابعاد خانواده را در چارچوب دیدگاه های کارکردگرایی ساختاری و نهادی، مورد توجه قرار داده اند (گود، 1352 و 1963؛ بهنام، 1352؛ ساروخانی، 1370؛ سگالن، 1370) بر پیوند و رابطه کل نظام اجتماعی با اجزاء آن و نیز رابطه اجزاء با یکدیگر تأکید شده و وجود ارزش ها و هنجارهای مشترک در جامعه مفروض پنداشته شده است و دگرگونی اجتماعی نیز به صورت کند و منظم در نظر گرفته می شود (ریترز، 1376: 119).

در دیدگاه نهادی، نهاد ازدواج و خانواده در چهارچوب نظام کلی جامعه و به عنوان ارگانیک در نظر گرفته می شود که نظام همسررداری به وسیله اجزاء تشکیل دهنده اش حفظ می شود، بنابراین از بعضی جهات با دیدگاه کارکردگرایی ساختاری شباهت هایی دارد، با این تفاوت که روش نهادی روی جنبه توصیفی، تاریخی و مقایسه ای بیشتر تأکید می کند و نهاد خانواده را در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگ، مورد مطالعه قرار می دهد (میشل 1354: 12-14).

چهارچوب جامعه شناختی دیکسون (1371) بحث همسرگزینی را به سطح جامعه و ساختارهای اجتماعی کشانده و بر اهمیت سه متغیر مابین ساختارهای اجتماعی و الگوی ازدواج تأکید می کند: قابلیت دسترسی به شریک آینده زندگی که برحسب نسبت های سنی - جنسی افراد در سن ازدواج اندازه گیری می شود؛ امکان پذیر بودن ازدواج بر حسب شرایط اقتصادی و اجتماعی؛ مطلوبیت ازدواج بر حسب فشارهای اجتماعی و انگیزه های فردی مطرح شده است.

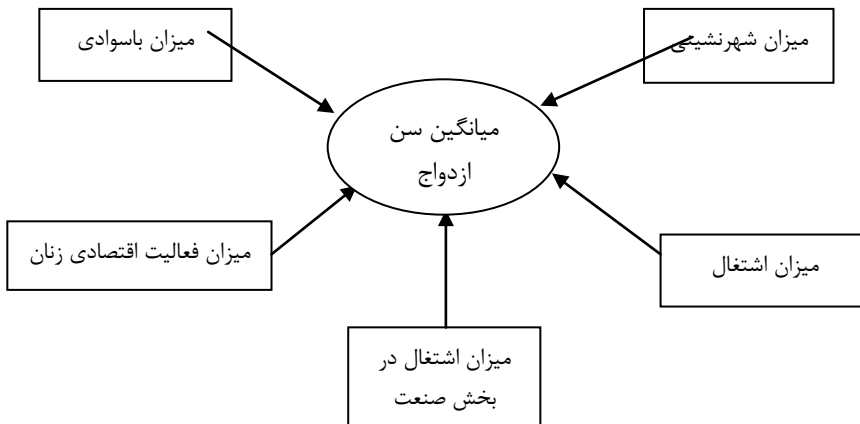
نظریه نوسازی که بر پایه ترکیب مدل های مفهومی دو نظریه جامعه شناختی: نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریات کارکردگرایی - ساختی قرن بیستم بسط و گسترش یافته، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات در نظام خانواده و به ویژه سن ازدواج را تشکیل می دهد. ویلیام گود در سال 1963 میلادی با بررسی تغییرات ساختی خانواده در سراسر جهان، تأثیر خانواده را بر سن ازدواج مورد بررسی قرار داده است. طبق این نظریه، مدرنیزاسیون یا نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیر گذاری بر زمان ازدواج صورت می گیرد. در میان مهمترین فاکتورهای مدرنیزاسیون می توان به گسترش فرصت تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. گود اعتقاد

دارد افرادی که در مناطق شهری زندگی می کنند به دلیل شیوه های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف تر شهری نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تأخیر صورت می گیرد (گود، 1963).

همچنین بهنام معتقد است ازدواج ایرانی بر اثر تحولات ژرفی که در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این سرزمین صورت گرفته است مرحله انتقالی را طی می نماید و مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده است. چنان که تمایلی به مشابهت با خصوصیات ازدواج در جامعه های صنعتی پدید آمده است. بهنام در توصیف روند تحولات سن ازدواج به ذکر متغیر یا عواملی مانند: آموزش متوسطه و عالی، طولانی شدن دوره تحصیلی، تغییر شیوه همسرگزینی، مشکلات مالی ناشی از مقتضیات زندگی جدید، رواج روز افزون سرگرمی ها و تفریحات بیرون از خانه و باب شدن روابط آزاد دو جنس و وضع قوانین خاص در خصوص ازدواج اشاره کرده است (بهنام، 1348: 157-129).

چنان که در پیشینه تحقیق آورده شد، در بررسی پدیده های اجتماعی- جمعیتی مانند الگوی سنی ازدواج و وضعیت زناشویی در یک جامعه در حال گذار، فرایند نوسازی و متغیرها و نشانگرهای آن مانند پنج عامل شهرنشینی، باسوادی، میزان اشتغال و به ویژه اشتغال در بخش صنعت و میزان فعالیت اقتصادی زنان می توانند تأثیر برجسته ای بر وضعیت زناشویی داشته باشند. که در این پژوهش با استعانت از تجربیات و یافته های تحقیقات قبلی و آراء و نظریات اندیشمندان، متغیرهای تحقیق تعیین، فرضیات تدوین و مدل تحلیلی ترسیم شده است.

مدل تحلیلی پژوهش



فرضیات پژوهش

فرضیات تحقیق با تکیه بر مباحث نظری ارائه شده و نتایج مطالعات و پژوهش‌هایی که در ارتباط موضوع پژوهش انجام پذیرفته، تدوین شده اند.

1. بین میانگین سن ازدواج و میزان شهرنشینی رابطه مستقیم وجود دارد.
2. بین میانگین سن ازدواج و میزان باسوادی رابطه مستقیم وجود دارد.
3. بین میانگین سن ازدواج و میزان فعالیت اقتصادی زنان رابطه مستقیم وجود دارد.
4. بین میانگین سن ازدواج و میزان اشتغال رابطه مستقیم وجود دارد.
5. بین میانگین سن ازدواج و میزان اشتغال در بخش صنعت، رابطه مستقیم وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

نوع روش بررسی در این پژوهش، تحلیل ثانوی داده های موجود در نشریات آماری سازمان ثبت احوال کشور و نتایج سرشماری عمومی نفوس سال 1385 می باشد. از آنجا که آمار و اطلاعات مورد نیاز در پژوهش، از این نشریات از طریق فیش برداری جمع آوری شده است، مطالعه آن اسنادی¹ می باشد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده های پژوهش

در این بررسی، داده های خام و اطلاعات مورد نیاز در پژوهش با مراجعه به اسناد و مدارک معتبر و رسمی آمار و اطلاعات جمعیت کشور (نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1385، سالنامه ها و نشریات آماری سازمان ثبت احوال کشور) از طریق فیش برداری استخراج و شاخص های مورد نظر محاسبه شده است. عمده ترین شاخص های جمعیتی محاسبه شده رویداد ازدواج که در این پژوهش مورد نظر بوده شامل: پیش رسی ازدواج، عمومیت ازدواج، میانگین سن ازدواج، سن مجرد قطعی، میزان عمومی و واقعی ازدواج به تفکیک جنس (مرد و زن) و فاصله سنی زوجین در هنگام ازدواج می باشد. متغیر اصلی وابسته تحقیق میانگین سن ازدواج و متغیرهای مستقل شامل: میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت بوده است که از نشریات سرشماری 1385 اطلاعات مربوط به آنها استخراج و شاخص های لازم محاسبه شده است. ازدواج ثبت

شده، ازدواج‌هایی را شامل می‌گردد که در دفاتر ازدواج به ثبت رسیده و اعلامیه مربوطه جهت ثبت در اسناد سجلی زوجین به ادارات ثبت احوال تحویل می‌گردند¹. در این پژوهش، شاخص میانگین سن ازدواج براساس داده‌های ثبتی و به روش مستقیم² مورد محاسبه قرار گرفته است.

جامعه آماری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش را کل کشور و استانها تشکیل می‌دهند. ابتدا استان‌های کشور را که در قومیت به لحاظ گویش و زبان غالب متمایز از یکدیگر هستند به 7 گروه تقسیم نموده و سپس از هر گروه یک استان به تصادف و به شیوه نمونه‌گیری احتمالی به شرح ذیل انتخاب شده است:

استان آذربایجان شرقی؛ آذری، استان تهران- فارس؛ استان سیستان و بلوچستان- بلوچ؛ استان کردستان- کرد؛ استان خوزستان- عرب؛ استان گیلان- گیلک؛ استان لرستان.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

برای ارائه نتایج تحقیق و توصیف و تحلیل وضع موجود، ضمن اندازه‌گیری و برآورد شاخص‌های جمعیتی ازدواج در کشور و استان‌های مورد مطالعه، از اندازه‌های گرایش به مرکز از جمله میانگین استفاده شده است. و با توجه به حجم نمونه و متغیرهای وابسته (میانگین سن ازدواج) و مستقل تحقیق (میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت) که در سطح فاصله‌ای قرار دارند، آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مناسب شناخته شد. به منظور بررسی میزان رابطه بین میانگین سن ازدواج و کلیه متغیرهای مستقل نیز از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. پردازش داده‌ها، محاسبه شاخص‌ها و ترسیم نمودارها با استفاده از نرم افزارهای Excel و Spss صورت گرفته است.

1. سالنامه آماری 1385، سازمان ثبت احوال کشور

2. در این پژوهش برآورد میانگین سن ازدواج به روش مستقیم و با استفاده از داده‌های ثبتی انجام گرفته است.

یافته های پژوهش

توصیف شاخص های جمعیتی ازدواج

پردازش داده‌ها در پژوهش‌های اجتماعی در 2 سطح توصیف، و تجزیه و تحلیل انجام می‌گیرد. در این مقاله با توجه به اهداف پژوهش، ابتدا وضعیت زناشویی کشور و استان‌های مورد مطالعه از طریق برآورد سنجه های جمعیتی ازدواج از قبیل: میانگین سن ازدواج، پیش‌رسی ازدواج، عمومیت ازدواج، سن مجرد قطعی، میزان های عمومی و واقعی ازدواج، اختلاف سن زوجین در زمان ازدواج بررسی شده و سپس برای آزمون فرضیات پژوهش و بررسی همبستگی میان متغیرها (وابسته و مستقل)، که از نظر سطح سنجش فاصله ای می باشند از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

میانگین سن ازدواج

جدول 1، میانگین‌های¹ سن ازدواج مردان و زنان کل کشور و استان های مورد مطالعه را که براساس داده های ثبتی ثبت احوال در سال 1385 محاسبه شده است نشان می دهد. چنانکه در جدول ملاحظه می شود، میانگین سن ازدواج مردان و زنان کشور در سال 85 به ترتیب برابر با 26/1 و 21/7 سال می‌باشد. مقایسه میانگین‌های سن ازدواج مردان و زنان نقاط شهری و روستایی نشان می‌دهد که مردان و زنان ساکن در نقاط شهری کشور و استان‌ها در سن بالاتری نسبت به مردان و زنان روستایی ازدواج می‌کنند. بررسی میانگین سن ازدواج در استان‌ها نشان داد که مردان و زنان استان سیستان و بلوچستان در سن کمتری نسبت به مردان و زنان دیگر استان های مورد مطالعه زندگی زناشویی خود را آغاز کرده اند. متوسط سن ازدواج مردان استان سیستان و بلوچستان 25/2 سال و متوسط سن ازدواج زنان سیستان و بلوچستان 20/7 سال به دست آمده است که در مقایسه با میانگین سن ازدواج مردان و زنان استان تهران که بیشترین میانگین سن ازدواج را در بین استان‌ها داشته، برای مردان 1/8 سال و برای زنان 2/3 سال اختلاف وجود دارد. در حالی‌که بین سن ازدواج مردان و زنان در استان‌های دیگر قرابت بیشتری ملاحظه می شود. ساختار سنی جوان، وجود جمعیت سنی مذهب و پایین بودن سطح توسعه (چنان‌که شاخص های مورد محاسبه در پژوهش نشان می

1. این شاخص از طریق محاسبه میانگین حاصل جمع حاصلضرب تعداد ازدواج در هر گروه سنی ضربدر سن میانی در همان گروه سنی حاصل شده است.

دهد) از جمله علت‌هایی است که می‌توان برای پایین بودن سن ازدواج در استان سیستان و بلوچستان اشاره نمود. بر اساس نتایج سرشماری سال 1385، نزدیک به 47 درصد از جمعیت این استان را افراد واقع در سنین 10 تا 30 سال تشکیل داده‌اند. مردان شهری استان‌های تهران و آذربایجان شرقی و زنان شهری استان‌های تهران و گیلان، بالاترین متوسط سن ازدواج را داشته‌اند. در نقاط روستایی، مردان استان تهران و زنان استان گیلان، بالاترین رقم متوسط سن ازدواج، و همچنین مردان و زنان روستایی استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین میانگین سن ازدواج را داشته‌اند.

جدول 1: میانگین سن ازدواج در کشور و استان‌های منتخب به تفکیک جنس در سال 1385

| استان / مناطق | جنس | کل کشور | آذربایجان شرقی | تهران | خوزستان | سیستان و بلوچستان | کردستان | گیلان | لرستان |
|---------------|-------|---------|----------------|-------|---------|-------------------|---------|-------|--------|
| کل | مردان | 26/1 | 26/1 | 27/1 | 26/1 | 25/2 | 26/0 | 25/9 | 26/0 |
| | زنان | 21/7 | 21/3 | 23/0 | 21/4 | 20/7 | 21/7 | 22/0 | 21/3 |
| شهری | مردان | 26/4 | 26/5 | 27/2 | 26/3 | 25/5 | 26/4 | 26/3 | 26/3 |
| | زنان | 22/1 | 21/7 | 23/1 | 21/7 | 21/0 | 21/9 | 22/4 | 21/8 |
| روستایی | مردان | 25/4 | 25/3 | 25/6 | 25/5 | 25/0 | 25/5 | 25/4 | 25/5 |
| | زنان | 20/9 | 20/5 | 21/2 | 20/6 | 20/2 | 21/3 | 21/5 | 20/5 |

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری 1385 و سالنامه آماری 1385 - سازمان ثبت احوال کشور.

پیش‌رسی ازدواج:

جدول 2، سهم مردان 15-19 ساله و زنان 10-14 ساله ازدواج کرده در کل کشور و استان‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد. شاخص پیش‌رسی ازدواج¹، که نشانگر نسبت مردان و زنانی است که در سنین نوجوانی ازدواج کرده و تشکیل زندگی زناشویی داده‌اند، برای مردان و زنان کشور به ترتیب برابر با 2/05 و 1/46 در صد بدست آمده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین استان‌های مورد بررسی در این شاخص تفاوت چشمگیری وجود داشته است. به طوری که مردان و زنان استان سیستان و بلوچستان به ترتیب با رقم‌های 5/21 و 2/63 درصد

1. ازدواج زن و مرد را پیش از سنی که به وسیله قانون، شرع یا عرف برای زناشویی تعیین گردیده ازدواج پیش‌رسی می‌گویند. این شاخص از طریق تقسیم تعداد زنان 10-14 ساله و مردان 15-19 ساله حداقل یکبار ازدواج کرده به کل جمعیت زنان 10-14 ساله و مردان 15-19 ساله و ضرب در 100 به دست می‌آید

بیشترین رقم پیش رسی ازدواج را داشته اند و مردان کردستان و زنان خوزستان دیرتر از مردان و زنان سایر استان های مورد مطالعه زندگی زناشویی خود را آغاز کرده اند.

جدول 2: درصد مردان (19-15 ساله) و زنان (14-10 ساله) ازدواج کرده در کل کشور و استان های منتخب در سال 1385

| جنس | استان | کل کشور | آذربایجان شرقی | تهران | خوزستان | سیستان و بلوچستان | کردستان | گیلان | لرستان |
|-------|-------|---------|----------------|-------|---------|-------------------|---------|-------|--------|
| مردان | | 2/05 | 2/14 | 1/57 | 1/81 | 5/21 | 1/42 | 1/64 | 1/44 |
| زنان | | 1/46 | 1/99 | 1/25 | 1/21 | 2/63 | 1/27 | 1/37 | 1/35 |

منبع: محاسبه شده بر اساس اطلاعات سالنامه آماری 1385- سازمان ثبت احوال کشور.

عمومیت ازدواج

عمومیت ازدواج¹ که یکی از شاخص های جمعیتی در مورد وضعیت زناشویی است معمولاً با بررسی درصد ازدواج نکرده ها در گروه سنی 49-45 ساله برای مردان و زنان مطالعه می شود و درجه رواج ازدواج را در جامعه نشان می دهد. این نسبت معمولاً در نزد مردان بیشتر از زنان و در جوامع سنتی بیشتر از جوامع مدرن و صنعتی است. این شاخص تحت تأثیر مجموعه پیچیده ای از عوامل عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه می باشد (میرزایی: 1384: 84). در سال 1385، 98/7 درصد از مردان کشور تا رسیدن به سن 50 سالگی حداقل یک بار ازدواج کرده اند و این نسبت برای زنان 98/2 درصد بوده است. از یافته های این پژوهش، همگرایی بین عمومیت ازدواج مردان و زنان استان های خوزستان، کردستان و گیلان می باشد، به طوری که 99 درصد از مردان و زنان استان های فوق تا قبل از رسیدن به سن 50 سالگی حداقل یک بار ازدواج کرده اند. اما عمومیت ازدواج در مردان استان های آذربایجان شرقی، تهران، سیستان و بلوچستان و لرستان بیشتر از عمومیت زنان این استان ها است. به عبارت دیگر درصد زنان مجرد این استان ها بیشتر از درصد مردان مجرد می باشد.

1. نسبت افرادی که تا سن 50 سالگی دست کم یکبار ازدواج کرده اند.

2. نسبت تجرد در هر سن منفرد یا در هر گروه سنی، از تقسیم تعداد مجردین آن سن یا گروه سنی بر کل جمعیت همان سن یا گروه سنی بدست می آید و معمولاً نسبت تجرد در 50 سالگی به عنوان میزان تجرد قطعی در نظر گرفته می شود.

تجرد قطعی

تجرد قطعی² مبین نسبتی از جمعیت در معرض ازدواج است که تا سن 50 سالگی ازدواج نکرده اند. در ایران همانند دیگر کشورهای مسلمان جهان، میزان تجرد قطعی پایین و عمومیت ازدواج بالا است و این امر بیشتر معلول نگرش‌هایی است که از اعتقادات دینی و عدم پذیرش بی بند و باری‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. جدول شماره 3، نسبت تجرد قطعی مردان و زنان کشور و استان‌های منتخب در سال 1385 را نشان می‌دهد. در سال 1385، نسبت تجرد قطعی برای مردان کشور 1/34 و برای زنان آن 1/84 در صد به دست آمده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مردان استان تهران (با نسبت تجرد قطعی 2/04 در صد) در سطح بالاتری از مجرد ماندن تا سن 50 سالگی قرار دارند. کمترین نسبت تجرد قطعی را مردان بلوچی با رقم 0/85 درصد دارند. نسبت تجرد زنان در استان‌های خوزستان و تهران به ترتیب برابر 2/96 و 2/64 در صد می‌باشد که بیشتر از زنان سایر استان‌های مورد بررسی است. گذار جامعه ایرانی از سنتی به مدرن که افزایش باسوادی و ارتقاء سطح تحصیلات، بخصوص در مورد دختران در سنین جوانی را به دنبال دارد موجب می‌شود که بسیاری از دختران از ازدواج به خاطر تحصیل چشم پوشی کنند، به این ترتیب کم‌کم شانس ازدواج و یا تمایل به ازدواج را از دست می‌دهند.

جدول 3: نسبت درصد تجرد قطعی (S50) در کشور و استان‌های منتخب به تفکیک جنس در سال 1385

| جنس | استان | کل کشور | آذربایجان شرقی | تهران | خوزستان | سیستان و بلوچستان | کردستان | گیلان | لرستان |
|-------|-------|---------|----------------|-------|---------|-------------------|---------|-------|--------|
| مردان | | 1/34 | 1/15 | 2/04 | 0/85 | 1/66 | 1/02 | 1/65 | 1/40 |
| زنان | | 1/84 | 1/58 | 2/62 | 0/89 | 2/96 | 0/9 | 2/14 | 1/57 |

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری 1385.

میزان عمومی و واقعی ازدواج

از شاخص میزان عمومی ازدواج¹ برای توصیف وضع زناشویی در جمعیت‌های مختلف و تحلیل تحولات زناشویی استفاده می‌گردد. میزان عمومی ازدواج کشور در سال 1385 برابر با 11 در

1. نرخ عمومی ازدواج برابر است با نسبت جمعیت ازدواج کرده در سال معین به جمعیت 15 ساله و بیشتر همان سال ضریب 1000.

هزار بوده است. به عبارتی در ازاء هزار نفر جمعیت کشور در سال 1385، یازده نفر ازدواج کرده‌اند. برای تعیین میزان واقعی ازدواج در گروه‌های مختلف سنی، تعداد مجردان همان گروه‌های سنی در مخرج کسر و تعداد ازدواج‌ها در آن گروه‌های سنی در صورت کسر آورده می‌شود، که نتایج محاسبه این شاخص نشان می‌دهد، در سال 1385 در ازاء هزار نفر مرد واقع در گروه سنی 19-15 ساله، 11 نفر و در ازاء هزار نفر زن واقع در همین گروه سنی، تقریباً 81 نفر ازدواج کرده‌اند. چنان که در جدول شماره 4 ملاحظه می‌شود، میزان واقعی ازدواج مردان و زنان واقع در گروه سنی 24-20 ساله کشور، به ترتیب برابر 98/0 و 131/5 در هزار نفر بوده است. ارقام حاصل بیانگر آنست که احتمال ازدواج برای زنان بیشتر از مردان در این گروه سنی است. در همین سال، از هزار نفر مرد واقع در گروه سنی 29-25 ساله کشور، حدود 191 نفر ازدواج کرده‌اند و این در حالی است که فقط 129 نفر از هزار نفر زن این گروه سنی موفق به ازدواج شده‌اند. عواملی چون رشد پوشش تحصیلی و افزایش سطح تحصیلات، افزایش تمایل به کسب شغل و داشتن استقلال مالی در بین دختران و بخصوص شانس ضعیف تر ازدواج موجب پایین تر بودن میزان ازدواج در میان زنان این گروه سنی نسبت به مردان شده است.

در میان استان های مورد بررسی، بیشترین میزان عمومی ازدواج در استان کردستان با رقم 12/4 در هزار و کمترین آن در استان سیستان و بلوچستان با 8/2 در هزار به دست آمده است. این تفاوت عمدتاً ناشی از تفاوت در ساختار سنی جمعیت و هنجارهای مربوط به سن ازدواج است. مردان گروه سنی 19-15 ساله استان سیستان و بلوچستان بیشترین میزان واقعی ازدواج را با 21/5 در هزار داشته‌اند. کمترین میزان ازدواج مردان این گروه سنی در استان تهران با 5/4 در هزار ملاحظه می‌شود. در مورد زنان گروه سنی 19-15 ساله نیز، بیشترین میزان ازدواج را زنان استان آذربایجان شرقی با 99/7 در هزار و کمترین میزان ازدواج را زنان استان تهران با رقم 54/8 در هزار داشته‌اند. بیشترین میزان ازدواج مردان سنین 29-25 ساله در استان کردستان (261 در هزار) و کمترین آن در استان سیستان و بلوچستان (132/8 در هزار) ملاحظه گردید و در مورد زنان واقع در این گروه سنی نیز، در استان کردستان (155/5 در هزار) بیشترین و در استان سیستان و بلوچستان (96/9 در هزار) کمترین میزان ازدواج ملاحظه شده است. نمودارهای شماره 1 و 2، شاخص میزان واقعی ازدواج مردان و زنان کشور و استان‌های مورد مطالعه را در سال 1385 نمایش می‌دهد.

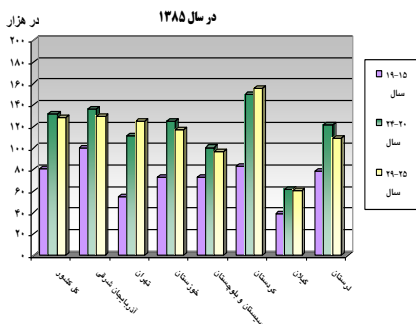
جدول 4: میزان عمومی و واقعی ازدواج در کشور و استان‌های منتخب به تفکیک جنس و گروه های

سنی در سال 1385

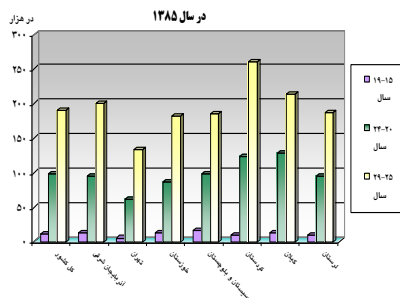
| استان | جنس - گروه سنی | | میزان واقعی ازدواج | | | | |
|-------------------|----------------|-----------|--------------------|-----------|-----------|-------------|-----------|
| | میزان عمومی | مرد | زن | مرد | زن | میزان عمومی | |
| | 15-19 سال | 20-24 سال | 15-19 سال | 20-24 سال | 25-29 سال | 20-24 سال | 25-29 سال |
| کل کشور | 11/0 | 98/0 | 131/5 | 128/5 | 190/5 | 80/7 | 111/2 |
| آذربایجان شرقی | 12/0 | 94/2 | 136/3 | 126/9 | 200/2 | 99/7 | 111/2 |
| تهران | 8/6 | 61/5 | 111/2 | 125/1 | 132/8 | 54/8 | 117/1 |
| خوزستان | 11/4 | 86/8 | 125/2 | 117/1 | 182/2 | 72/9 | 100/6 |
| سیستان و بلوچستان | 8/2 | 98/6 | 100/6 | 96/9 | 185/1 | 73/3 | 155/5 |
| کردستان | 12/4 | 122/8 | 150/2 | 142/5 | 261/0 | 83/4 | 144/0 |
| گیلان | 11/5 | 128/0 | 144/0 | 142/5 | 213/5 | 84/7 | 121/1 |
| لرستان | 12/0 | 95/2 | 121/1 | 108/8 | 186/2 | 78/8 | |

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری 1385، و سالنامه آماری 1385- سازمان ثبت احوال کشور.

نمودار 2: نرخ واقعی ازدواج زنان در کشور و استانهای منتخب بر حسب گروه های سنی



نمودار 1: نرخ واقعی ازدواج مردان در کشور و استانهای منتخب بر حسب گروه های سنی



فاصله سنی زوجین در زمان ازدواج

فاصله سنی زن و مرد در هنگام ازدواج، یکی دیگر از شاخص‌های مربوط به ازدواج است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته به دلیل بیشتر بودن امید زندگی زنان و پایین بودن نسبت جنسی در جمعیت مسن، سیاست‌های جمعیتی بر پایه کاهش فاصله سنی زن و شوهر است. به

طوری که در این گونه کشورها متوسط فاصله سنی زن و شوهر بین 1 تا 3 سال است. به ویژه در بین جوانان فاصله سنی زن و شوهر بسیار کاهش یافته است (آقا، 1383: 230). یافته های پژوهش در این بررسی نشان داد که اختلاف سنی زوجین کشور در هنگام ازدواج (سال 1385) برابر 4/21 سال بوده و زوجین شهری با 4/08 سال و زوجین روستایی با 4/23 سال فاصله سنی با یکدیگر ازدواج کرده اند. بیشترین فاصله سنی زوجین در زمان ازدواج را زوج های استان آذربایجان شرقی با 4/51 سال و کمترین فاصله را زوجین استان گیلان با 3/61 سال داشته اند. میانگین فاصله سنی زوجین شهری و روستایی نشان داد که فاصله سنی زوج های شهری در زمان ازدواج کمتر از فاصله سنی زوجین روستایی بوده و پدیده همسان همسری سنی بین زوج های شهری جامعه مورد مطالعه بیشتر از زوج های روستایی دیده می شود.

جدول 5: میانگین اختلاف سنی زوجین در هنگام ازدواج در کشور و استان های منتخب در سال 1385

به تفکیک مناطق شهری و روستایی

| استان مناطق | کل کشور | آذربایجان شرقی | تهران | خوزستان | سیستان و بلوچستان | کردستان | گیلان | لرستان |
|----------------|---------|-------------------|-------|---------|----------------------|---------|-------|--------|
| کل | 4/21 | 4/51 | 3/79 | 4/33 | 4/21 | 4/08 | 3/61 | 4/40 |
| شهری | 4/08 | 4/54 | 3/78 | 4/25 | 4/09 | 4/17 | 3/56 | 4/23 |
| روستایی | 4/23 | 4/47 | 4/07 | 4/51 | 4/38 | 3/95 | 3/67 | 4/63 |

منبع: محاسبه شده بر اساس اطلاعات سالنامه آماری 1385 - سازمان ثبت احوال کشور.

توصیف معرف های نوسازی

چنان که در قبل اشاره گردید در این تحقیق تلاش شده ضمن برآورد شاخص های جمعیتی ازدواج برای کشور و استان های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان، به محاسبه برخی از معرف های نوسازی از قبیل: میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان اشتغال، و میزان فعالیت اقتصادی زنان، و سنجش تأثیر آن ها به عنوان متغیرهای مستقل بر میانگین سن ازدواج در استان های مورد مطالعه پرداخته شود. در توصیف یافته های تحقیق در خصوص شاخص های نوسازی اشاره می شود: در سال 1385، استان تهران با 90/8 درصد، بیشترین سهم و استان سیستان و بلوچستان با 49/4 درصد کمترین سهم را در شهرنشینی میان استان های مورد مطالعه داشته اند. ارقام حاصل از محاسبه شاخص میزان باسوادی در استان ها، حکایت از نابرابری آموزشی و تحصیلی میان استان ها و همچنین بین دو جنس مرد و زن دارد. چنان که در جدول شماره 6 ملاحظه می شود، استان تهران با

91/3 درصد بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با 68/0 درصد کمترین سهم را در میزان باسوادی دارا بوده اند. مردان و زنان استان سیستان و بلوچستان به ترتیب با 74/4 درصد و 61/4 درصد کمترین میزان را در باسوادی داشته اند.

در جامعه مورد مطالعه، زنان استان گیلان با 16/4 درصد بیشترین و زنان استان خوزستان با 8/0 درصد کمترین سهم را در فعالیت اقتصادی داشته اند. از دیگر متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، میزان اشتغال است که یافته های تحقیق نشان داد، استان تهران با 91/6 درصد بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با 68/5 درصد کمترین میزان اشتغال را برای جمعیت 10 سال و بیشتر در بین استان های مورد مطالعه دارند. در سال 1385 سهم شاغلین کشور در بخش صنعت 31/7 درصد بوده و استان آذربایجان شرقی با 36/2 درصد بیشترین سهم و استان گیلان با 24/8 درصد کمترین سهم را در اشتغال در بخش صنعت داشته اند.

جدول 6: برآورد برخی شاخص های نوسازی در کشور و استانهای منتخب در سال 1385

| میزان اشتغال | میزان اشتغال | | | میزان فعالیت اقتصادی زنان | میزان باسوادی | | | میزان شهرنشینی | شاخص های نوسازی | استان |
|--------------|--------------|------|------|---------------------------|---------------|------|------|----------------|-------------------|-------|
| | مردان | زنان | کل | | مردان | زنان | کل | | | |
| 31/7 | 76/7 | 89/2 | 87/3 | 12/4 | 80/3 | 88/7 | 84/6 | 68/4 | کل کشور | |
| 36/2 | 81/7 | 92/1 | 90/4 | 13/6 | 75/6 | 87/3 | 81/6 | 66/9 | آذربایجان شرقی | |
| 33/8 | 84/5 | 92/9 | 91/6 | 13/0 | 88/8 | 93/6 | 91/3 | 90/8 | تهران | |
| 32/3 | 70/6 | 82/0 | 80/7 | 8/0 | 79/0 | 88/1 | 83/6 | 67/5 | خوزستان | |
| 25/0 | 56/7 | 70/5 | 68/5 | 10/4 | 61/4 | 74/4 | 68/0 | 49/4 | سیستان و بلوچستان | |
| 25/8 | 68/1 | 81/7 | 79/8 | 11/4 | 70/1 | 84/6 | 77/5 | 59/5 | کردستان | |
| 24/8 | 71/2 | 88/5 | 85/1 | 16/4 | 78/7 | 87/6 | 83/1 | 53/5 | گیلان | |
| 27/6 | 42/4 | 77/0 | 70/9 | 14/4 | 76/1 | 85/9 | 81/1 | 59/8 | لرستان | |

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری 1385.

آزمون فرضیات پژوهش

به منظور آزمون فرضیات پژوهش با توجه به حجم نمونه و سطح سنجش فاصله ای متغیرهای تحقیق از آزمون آماری ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. اهمیت و ضرورت توجه

به تفکیک دو جنس مرد و زن در میانگین سن ازدواج، میزان باسوادی و میزان اشتغال در حوزه جمعیت شناسی و محاسبه شاخص های مربوطه موجب شد که در آزمون فرضیات و سنجش ارتباط میان متغیرها، تفکیک جنس مورد توجه قرار گیرد.

در آزمون فرضیه اول پژوهش و سنجش رابطه بین میانگین سن ازدواج و میزان شهرنشینی، نتایج به دست آمده از محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن ($\text{Sig} = \alpha = 0.964$) 0.000 نشان داد که بین میانگین سن ازدواج مردان جامعه مورد مطالعه و میزان شهرنشینی در سطح اطمینان 99 درصد رابطه معنادار و قوی وجود دارد. اما بین میانگین سن ازدواج زنان با متغیر میزان شهرنشینی ($\text{Sig} = 0.355$ ، $r = 0.414$) رابطه معنادار مشاهده نشده است.

در آزمون فرضیه دوم تحقیق و سنجش رابطه بین متغیر میانگین سن ازدواج با میزان باسوادی، نتایج حاصل از ضریب محاسبه همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر میانگین سن ازدواج مردان با میزان باسوادی آنان ($\text{Sig} = 0.071$ ، $r = 0.714$) و ضریب همبستگی اسپیرمن بین میانگین سن ازدواج زنان با میزان باسوادی آنان ($\text{Sig} = 0.708$ ، $r = 0.703$) رابطه معناداری را نشان نداده است.

در آزمون فرضیه سوم تحقیق و سنجش رابطه بین میانگین سن ازدواج زنان و متغیر میزان فعالیت اقتصادی آنان که در سطح فاصله ای اندازه گیری شده ($\text{Sig} = 0.613$ ، $r = 0.234$) ارتباط معنادار مشاهده نگردید. به عبارتی میانگین سن ازدواج زنان جامعه آماری تحقیق با میزان فعالیت اقتصادی آنان رابطه ای نداشته است.

در آزمون فرضیه چهارم تحقیق و سنجش رابطه بین میانگین سن ازدواج و میزان اشتغال، نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی اسپیرمن بین میانگین سن ازدواج مردان با متغیر میزان اشتغال آنان (سطح معنی داری $\text{Sig} = 0/052$) با 95 درصد اطمینان رابطه معنادار وجود دارد. اما بین میانگین سن ازدواج زنان با میزان اشتغال آنها (سطح معناداری $\text{Sig} = 0.129$) رابطه ای مشاهده نگردیده است. به عبارتی در جامعه مورد مطالعه، شاخص میزان اشتغال بر افزایش سن ازدواج مردان تأثیرگذار و بر افزایش سن ازدواج زنان بی تأثیر بوده است.

در آزمون فرضیه پنجم تحقیق، متغیر میانگین سن ازدواج در ارتباط با متغیر میزان اشتغال در بخش صنعت (که در سطح فاصله ای اندازه گیری شده) قرار داده شده و مورد آزمون قرار گرفتند. ضریب همبستگی اسپیرمن بین میانگین سن ازدواج مردان و میزان اشتغال در بخش صنعت ($r = 0.929$ و سطح معناداری $\text{Sig} = 0.003$) و ضریب همبستگی بین میانگین سن

ازدواج زن و میزان اشتغال در بخش صنعت ($r = 0.018$ و سطح معناداری $\text{Sig} = 0.969$) نشان می دهد بین میانگین سن ازدواج مردان و میزان اشتغال در بخش صنعت در استان های مورد مطالعه در سطح 99 درصد اطمینان رابطه معنادار وجود دارد. اما بین میانگین سن ازدواج زنان با میزان اشتغال در بخش صنعت رابطه معناداری مشاهده نمی گردید.

در مقاله حاضر، به منظور بررسی میزان رابطه بین میانگین سن ازدواج و کلیه متغیرهای مستقل از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. براساس جدول 7 مشاهده می شود که 5 متغیر میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان شهرنشینی، میزان باسوادی زنان، میزان اشتغال زنان و همچنین میزان اشتغال در بخش صنعت، به ترتیب در تبیین متغیر میانگین سن ازدواج نقش زنان اثر داشته اند. معادله رگرسیون چند متغیره ای که براساس مقادیر Beta حاصل شده است به صورت ذیل می باشد:

$$0/049 + (\text{میزان اشتغال زنان}) 0/019 + (\text{میزان باسوادی زنان}) 0/033 + (\text{میزان شهرنشینی}) 0/042 - (\text{میزان فعالیت اقتصادی زنان}) 0/115 - (\text{میزان اشتغال در بخش صنعت})$$

جدول 7: آزمون همبستگی بین میانگین سن ازدواج زنان و شاخص های نوسازی

| متغیر | B | Beta | مقدار T | سطح معنی داری |
|---------------------------|--------|--------|---------|---------------|
| میزان فعالیت اقتصادی زنان | 0/0490 | 0/185 | 3/26 | 0/190 |
| میزان شهرنشینی | 0/042 | 0/777 | 7/03 | 0/090 |
| میزان باسوادی زنان | 0/033 | 0/378 | 3/82 | 0/163 |
| میزان اشتغال زنان | 0/019 | 0/371 | 6/06 | 0/104 |
| میزان اشتغال در بخش صنعت | -0/115 | -0/727 | -9/91 | 0/064 |

چنان که در جدول 8 ملاحظه می شود 4 متغیر میزان باسوادی مردان، میزان شهرنشینی، میزان اشتغال مردان و میزان اشتغال در بخش صنعت، به ترتیب در تبیین متغیر میانگین سن ازدواج مردان تأثیر داشته اند. براساس مقادیر Beta، معادله رگرسیون چند متغیره حاصل شده به صورت ذیل می باشد:

$$+ (\text{میزان اشتغال مردان}) 0/007 + (\text{میزان شهرنشینی}) 0/031 + (\text{میزان باسوادی مردان}) 0/033 = (\text{میزان اشتغال در بخش صنعت}) 0/03 - (\text{میانگین سن ازدواج مردان})$$

جدول 8: آزمون همبستگی بین متغیرهای مستغل و میانگین سن ازدواج مردان

| متغیر | B | Beta | مقدار T | سطح معنی داری |
|--------------------------|-------|--------|---------|---------------|
| میزان باسوادی مردان | 0/033 | 0/364 | 2/131 | 0/167 |
| میزان شهرنشینی | 0/031 | 0/783 | 5/328 | 0/033 |
| میزان اشتغال مردان | 0/007 | 0/101 | 0/692 | 0/561 |
| میزان اشتغال در بخش صنعت | -0/03 | -0/261 | -2/210 | 0/158 |

خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهاد

تأثیرپذیری کشور ایران از فرایندهای توسعه و شهرنشینی که از دهه های گذشته آغاز و تاکنون ادامه داشته است، زمینه تغییر ساختار فکری و نگرش افراد جامعه را نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده فراهم کرده است. و این تأثیرپذیری در استان های مختلف کشور که به لحاظ ساختار اقتصادی، اجتماعی، و سطح توسعه یافتگی متمایز از یکدیگر هستند موجب شده رفتارهای جمعیتی متفاوتی از جمله ناهمگرایی در وضعیت زناشویی و سن ازدواج در آنها پیش آید.

در این بررسی، وضعیت زناشویی کشور و استان های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، گیلان و لرستان، از طریق برآورد شاخص های جمعیتی ازدواج و تحلیل ثانویه داده های جمع آوری شده (از نشریات سرشماری 1385، سالنامه و گزارش های آماری سازمان ثبت احوال کشور) مورد مطالعه قرار گرفته و همبستگی میان متغیر میانگین سن ازدواج با متغیرهای میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت به عنوان شاخص های نوسازی مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می دهد که میانگین سن ازدواج مردان و زنان کشور در سال 1385 براساس داده های ثبتی به ترتیب برابر با 26/1 سال و 21/7 سال بوده و تفاوت در میانگین سن ازدواج مردان شهری و روستایی کمتر از تفاوت در میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی کشور می باشد. با توجه به افزایش سن ازدواج میان مردان و زنان کشور که سوابق مطالعات پیشین و یافته های این پژوهش نشان داد، پیشنهاد می شود مسئولین امر با بسترسازی مناسب فرهنگی از طریق رسانه های گروهی، و ایجاد زمینه اشتغال و کار، به ویژه در استان های کمتر توسعه یافته، زمینه تسهیل در امر ازدواج را فراهم آورند. از یافته های مهم این پژوهش وجود الگوهای متمایز ازدواج در استان های مورد مطالعه می باشد.

در بین استان‌ها، سیستان و بلوچستان از نظر وضعیت زناشویی و الگوی ازدواج و همچنین سطح توسعه متفاوت از دیگر استان‌های مورد مطالعه بوده است. چنان که مردان و زنان این استان هنوز در سنین پایین زندگی زناشویی خود را آغاز می‌کنند و اندازه شاخص پیش‌رسی ازدواج که در گذشته یکی از ویژگی‌های ازدواج ایرانی به حساب می‌آمده و در دهه‌های اخیر دستخوش تغییر شده، در این استان هنوز بالا است و با رقم این میانگین در کل کشور و دیگر استان‌ها فاصله زیادی دارد. شاید بتوان علت تفاوت در وضعیت زناشویی این استان را در ساختار سنی جوان و وجود جمعیت سنی مذهب، و هم چنین پایین بودن سطح توسعه آن بیان کرد. بدین ترتیب با توجه به سطح پائین توسعه و تأثیر آن بر وضعیت زناشویی در این استان توجه خاص دولتمردان و مسئولین را می‌طلبد و پیشنهاد می‌شود تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان دولت با توزیع عادلانه تر منابع و امکانات، و ایجاد تسهیلات لازم و برنامه ریزی‌های مناسب، سطح توسعه این استان را مورد توجه قرار داده و بهبود بخشند. داده‌های سرشماری 1385 نشان داد درصد مجرد قطعی در زنان به دلیل استقلال مالی پس از احراز تخصص دانشگاهی و اشتغال به کار بیشتر از مردان و عمومیت ازدواج آنان کمتر از مردان می‌باشد، و برای 1/3 درصد از مردان و 1/8 درصد از زنان کشور شانس خیلی کمی در ازدواج بوده است. شیوع همسان همسری سنی بین زوج‌های کشور و استان‌های مورد مطالعه از دیگر یافته‌های این مقاله است که می‌توان احتمال داد با توجه به کم شدن فاصله سنی زوجین در زمان ازدواج، از میزان مجرد قطعی در زنان کاسته شود و البته این امر مستلزم کاهش سن ازدواج در مردان جامعه نیز می‌باشد.

این مطالعه نشان داد که متغیرهای میزان شهرنشینی، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت، از عوامل تبیین‌کننده افزایش میانگین سن ازدواج مردان در جامعه مورد مطالعه می‌باشند و می‌توان این شاخص‌ها را به عنوان عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج مردان بر شمرد. بررسی آماری ارتباط بین متغیر میانگین سن ازدواج مردان با میزان‌های شهرنشینی و اشتغال در بخش صنعت در سطح اطمینان 99 درصد رابطه معنادار و قوی را نشان داد. همچنین بین میانگین سن ازدواج مردان با میزان اشتغال آنان در سطح اطمینان 95 درصد رابطه معنادار دیده شد. با توجه به نتیجه حاصل، اتخاذ تدابیری از سوی سیاست‌گذاران کشور در جهت ایجاد شرایط اقتصادی برای ازدواج نظیر اعطای وام و مسکن ارزان قیمت به جوانان پیشنهاد می‌شود. در بررسی رابطه بین میانگین سن ازدواج زنان با متغیرهای میزان

شهرنشینی، میزان اشتغال، میزان فعالیت اقتصادی آنان و میزان اشتغال در بخش صنعت رابطه معناداری در جامعه آماری مورد مطالعه مشاهده نشد. سطح معناداری بین میانگین سن ازدواج زنان با میزان باسوادی آنان 0/078 به دست آمده است. البته با افزایش حجم نمونه تحقیق می توان در سنجش ارتباط بین این متغیرها نتیجه دقیق تری به دست آورد که نیاز به انجام پژوهش های بیشتر در این زمینه محسوس است. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که متغیرهای میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان اشتغال و همچنین میزان اشتغال در بخش صنعت، به ترتیب اهمیت در تبیین میانگین سن ازدواج زنان، و متغیرهای میزان باسوادی، میزان شهرنشینی، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت، به ترتیب اهمیت در تبیین میانگین سن ازدواج مردان نقش داشته اند.

حرکت جامعه ایران از سنتی به مدرن، که در جریان فرایند صنعتی شدن و نوسازی ایجاد شده و تحولاتی که در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ... به وجود آمده، ازدواج و خانواده ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. چنان که بهنام (1348) معتقد است ازدواج ایرانی بر اثر تحولات ژرفی که در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن ایجاد شده مرحله انتقالی را طی می کند و تمایل به مشابهت با خصوصیات ازدواج جوامع صنعتی دارد. نتایج این پژوهش که در آن به مطالعه و بررسی جنبه دموگرافیک وضعیت زناشویی کشور و 7 استان منتخب در سال 1385 و تأثیر شاخص های نوسازی بر الگوی سنی ازدواج پرداخته شده، می تواند مقدمه ای برای انجام تحقیقات بعدی از بُعد جامعه شناختی و مردم شناختی باشد. چرا که متغیرهایی بر تغییرات الگوی سنی ازدواج استان ها دخیل بوده اند که بررسی آنها نیاز به انجام پژوهش های دیگر دارد. لذا پیشنهاد می شود پژوهشگران اجتماعی با استفاده از نتایج این بررسی، جنبه های فرهنگی و اجتماعی وضعیت زناشویی کشور و استان های بررسی شده را مورد مطالعه و پژوهش بیشتری قرار دهند.

منابع فارسی

آستین افشان، پ. (1380). بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال های 55-75. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

آقا، ه. (1383). بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه تهران.

بهنام، ج. (1350). ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران. تهران: خوارزمی.

بهنام، ج. (1348). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: محمد علی علمی.

ریتزر، ج. (1376). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

ساروخانی، ب. (1370). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.

سگال، م. (1370). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه، حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.

کاظمی پور، ش. (1383). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن.

فصلنامه پژوهش زنان. 2. 3.

کاظمی پور، ش. (1385). تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر

وضعیت اشتغال زنان. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال یکم. 1. ص 23.

کریمی چایخانی، خ. (1386). تحلیل دموگرافیک وضع زناشویی طی سال‌های 85-

1375 در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

گود، و ج. (1352). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمودیان، ح. (1385). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر تفاوت سنی زوجین. نامه انجمن

جمعیت‌شناسی ایران. سال یکم. 1. ص 127-140.

میشل آ. (1354). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران.

منابع انگلیسی

Aghajanian, A. (1997). **Family and family change in Iran**. In Charles B. Hennon and Timothy H. Brubaker (eds) *Dirersity in Families: A Global Perspective*. New York: Wadworth Publishing Company.

Dixon, Ruth B. (1971). Explaining Cross- cultural Variation in Age at Marriage, **Population Studies**, Vol. 25: 215-233.

Good, W., J. (1963). **World Revolution and Family Pattern**. New York: Free Press.

United Nations. (1988). **First Marriage: Patterns and Determinants**, New York ST / ESA / SER. R/76